

دیپلماسی ایرانی از دمشق تا قاهره

■ عماد هلاوات

پژوهشگر روابط بین‌الملل

دیپلماسی ایران در سوریه

به محض ورود حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه ایران به دمشق، پس از سفر به آنکارا، بسیاری از رسانه‌ها آن را به عنوان آغازی بر پایان جنگ ۱۱ ساله سوریه و نزدیکی نظرات دولت ترکیه به دولت سوریه ارزیابی کردند. تعدادی از متغیرهای در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا گویای آن است که ایران به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در حال نزدیک کردن منطقه به یک نظم امنیتی توافقی است. نظامی که توسط کشورهای خود منطقه صورت می‌گیرد و نقش قدرت‌های مداخله‌گر و قدرت‌های بزرگ در این منطقه کاهش می‌یابد. از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم و با اولویت قرار دادن منطقه‌گرایی به عنوان راهبرد اصلی سیاست خارجی دولت، ایران توانسته است بار دیگر خود را به عنوان کنشگر اصلی در منطقه معرفی کند. با وجود اینکه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی با طرح معامله قرن و روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به دنبال خنثی کردن کنشگری ایران در منطقه هستند اما دیپلماسی فعال دولت سیزدهم در سطح منطقه و بین‌الملل باعث شده است که ایران به عنوان کانون اصلی رفت و آمدهای منطقه‌ای خود را معرفی کند. با توجه به وضعیت تحولات بین‌المللی

از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم در کنار توجه به حل و فصل برنامه هسته‌ای (احیای برجام)، منطقه‌گرایی به عنوان راهبرد اصلی دولت سیزدهم در دستور کار قرار گرفته است. دولت ارتباط با همسایگان را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. در این بین کشورهای عربی و از جمله عربستان و مصر در سیاست خارجی ایران اهمیت ویژه‌ای دارند. یکی از موارد غیر قابل کتمان در دوره فعالیت دولت سیزدهم، دیپلماسی فعال در سطح منطقه و بین‌الملل است به گونه‌ای که در طول مدت یک سال اخیر دولت سیزدهم ثابت کرده است که در سطح منطقه و نظم بین‌الملل راهبرد جدیدی را در پیش گرفته است. این راهبرد که به عنوان منطقه‌گرایی ظهور و بروز داشته باعث شده است که ایران بار دیگر به عنوان یکی از کانون‌های اصلی دیپلماسی در سطح منطقه معرفی شود. از این روی دولت سیزدهم توانسته است مرجعیت جمهوری اسلامی در سطح منطقه را بار دیگر برگرداند. در این زمینه دولت دو تاکتیک را به پیش می‌برد. یک: عادی‌سازی روابط با کشورهایی که در طول تاریخ انقلاب اسلامی با آنها قطع رابطه کرده بود همانند کشور مصر و از سویی دیگر به دنبال ایفای نقش میانجیگر بین کشورهای مختلف منطقه است. واقعیت امر گویای این است با وجود اینکه پرونده هسته‌ای هم جزو تحولات سیاست خارجی است، اما شاهد حضور فعال ایران در منطقه و اتخاذ دیپلماسی فعال و خنثی‌سازی طرح‌ها و راهبردهای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی در قالب معاهده قرن به دنبال این بود که جمهوری اسلامی را به عنوان کانون اصلی تنش و بی‌ثباتی در منطقه معرفی کند، اما این راهبرد با توجه به نقش فعال دولت در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا تقریباً خنثی شده است و دولت توانسته بار دیگر ایران را به عنوان کانون رفت و آمدهای منطقه‌ای معرفی کند. یکی از مسائل اساسی این است که با توجه به قطع بلند مدت رابطه ایران و مصر، برقراری مجدد روابط نیاز به یک پیوست رسانه‌ای و بازنمایی آن دارد. بخصوص آنکه مصر جایگاه بسیار ویژه‌ای در دکترین رژیم صهیونیستی و همچنین امریکا دارد. نزدیکی مصر به ایران می‌تواند همراه با آینده‌های رسانه‌ای توسط رسانه‌های غربی و ضد انقلاب باشد. بر این اساس باید افکار عمومی را جهت برقراری روابط با مصر آماده کرد. مصر در جهان عرب و جهان اسلام وزنه‌ای بسیار مهم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پس در وهله اول باید جایگاه استراتژیک و راهبردی مصر مشخص و سپس براساس آن پیوست رسانه‌ای ایجاد شود.



ویژنامه

دولت

ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱